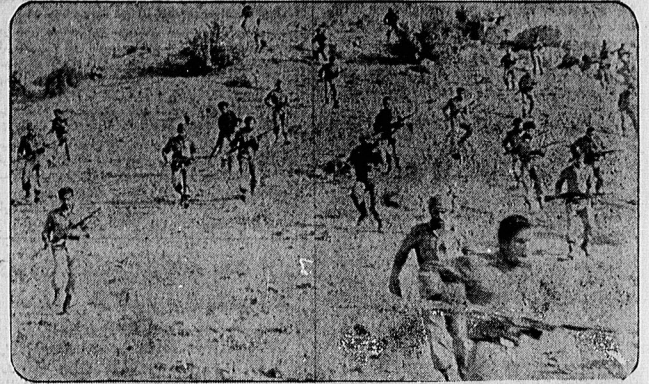


یک تیپ کامل و ۳۰ گردان تانک دشمن در جبهه الله اکبر منهدم شد

ارتفاعات استراتژیک گامیشان در شمال قصر شیرین آزاد شد

۴۵ کیلومتر از منطقه سوسنگرد
والله اکبر بدست ایران افتاد



رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب با پشتیبانی برادران ارتشی درهفته گذشته ارتفاعات استراتژیک سپاری را بسا جانشانی و ایثار برپایند از چنگ مزدوران عراقی خارج ساخته این رزمندگان در آخرین ساعات پیشرو پیروزانده ارتفاعات گامیشان در شمال قصر شیرین را آزاد کردند. عکس این دلوران را در یکی از ارتفاعات الله اکبر نشان میدهد. در صفحه ۱۴

امام
از نیرو و
های
مسلح
تقدیر
کردند

در صفحه ۲۸

اطلاعات

شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۶۰ - هیجدهم رجب ۱۴۰۱
بیست و سوم مه ۱۹۸۱ شماره ۱۶۴۴۴ کت شماره ۱۵ ریال

داد گاه سر هنگ

گلشائیان

وارد شور شد

توسط ضد انقلاب

۵۰۰ هزار آمپول

بیماران قلبی

آتش زده شد

دومین بخش از بحث

آزاد جهان بینی الهی

و جهان بینی مادی

در ۳ مورد مهم

وزیران خارجه

۲۱ کشور عرب

به توافق رسیدند

کمک نظامی به سوریه در مقابل حملات اسرائیل

کمک مالی و تسلیحاتی به سازمان مقاومت فلسطین

کمک مالی و پشتیبانی سیاسی از لبنان

در صفحه ۱۶

مشاور اقتصادی میتران

فرانسه

به همکاری با عراق

ادامه می دهد

دولت جدید فرانسه رژیم
اشغالگر قدس را به
رسمیت می شناسد - صفحه ۱۶

بخش سوم

۱۰۰ هزار
دانشجو
که کارنامه ارزی
آنها صادر شده

در صفحات ۱۱ و ۱۲

فرودگاه
های بزرگ
انگلیس
بحال
تعطیل
درآمد

۵ کارگر
لهستانی
اعتصاب

غذا کردند

مهاجرت
روستائیان
به تهران

افزایش یافته
است

در صفحه ۳

در صفحه
جهان سیاست
امروز

علم و
تکنولوژی

در برابر
سد

کارتل ها

از : دکتر مینا یونانی

حیات غرب در
زیر خاک آفریقا

در صفحه ۱۲

آیت الله العظمی منتظری خطاب به دولتمردان :

اختلافات شخصی را کنار

بگذارید و روزنامه هارا

صحنه جنگ قرار ندهید

در صفحات ۱۲

در گذشت

چهارمین چریک

ایرلندی،

بفلاست رادوباره

به آتش کشید

رئیس جمهوری

به انتصابات قضایی اخیر

اعتراض کرد

در صفحه ۳

خسارت عراق از ۱۰ شهریور ۵۹ تا پایان ۶۰/۳/۸	
نوع خسارت	تعداد
مروپها	۲۲۶ فروند
هلیکوپتر	۴۱ فروند
تانک و نفربر زرهی	۳۸۲۷ دستگاه
موشک انداز	۶۶ دستگاه
انواع خودرو ارتشی	۳۰۸۱ دستگاه
آشپز و سنگین و سبک	۱۲۴۱ دستگاه
نارجه موشک انداز و سایر	۳۰ فروند
کشتی لایروبی	۲ فروند
کشتی حامل مهمات	۹ فروند
پانگای نظامی، تانکهای سنگین، تانکهای متوسط، تانکهای سبک	۴۹۶ دستگاه

اطلاعات به اطلاع هموطنان عزیز می رسد که کشتی های
زده خسارت ارتش عراق در جریان حمله به جنوب عراق
که در جنگ جهانی دوم کشتی های جنگی بودند
در این منطقه در جریان حمله به جنوب عراق
کشته شدند

سخن روز

مسئله سرپوش گذاشتن
بر ماجرای
وزارت خارجه است!

بدون آنکه بخواهیم مقابله بعمل کنیم ، چنان کنیم و
مقابل حمله و هجوم را در دستور روزنامه کار خود قرار
دهیم، چنانکه دیگران قرار داده اند ، آغاز کرده اند و دوباره
به آرایش فضای اجتماعی بعد از حوادث ۱۴ اسفند و قبل
از پیام امام مشغولند ، تنها به همان دلیل که ... باید گفت ،
نکاتی چند در رابطه با وقایع روزهای اخیر را مطرح
ساخته و امیدواریم نوبت به ما که میرسد بای قانون
منیاد گفت : قانون تخریب و جوسازی ، قانون مخدغه
پیمان کشیده نشود ، آخر در این جامعه آشفته کم نیست
ناوهای انحصاری و ضوابط بکفرهای که فقط درباره
فرد یا جریان خاصی عمل میکنند لایشر . وقتی منیم قانون
قانون میاید گفت است و وقتی اووه است قانون منیاد
گفت !

در محال ، همانطور که بخاطر دارید چندی پیش
حادثه ای در محل ساختمان وزارت خارجه - که هنوز
چوه وزارتخانه ای نیست است - اتفاق افتاد . کسی را
هنگام خروج بازرسی کردند و پس از آنکه اسامه حرمانه
آن وزارتخانه را در دست وی یافتند او را ناچار بازداشت
کرده و مورد تحقیق و بررسی بیشتری قرار دادند .
منووم شد که انتقال این اسناد محرمانه نیز بطریق کاملاً
محرمانه ای انجام گرفته و کسی یا کسانی از مسئولین و
کارمندان وزارت خارجه هم در این نقل و انتقال محرمانه
شریک و دخیل بوده اند .
در میان این اسناد وجود برخی سندهای مهمتر و
سئوالبرانگیز ، وضعیت را پیچیده تر نشان داد و کار را
مشکل تر کرد .

در این اثنا دفتر ریاست جمهوری طی اطلاعیه ای اعلام
کرد که شخص بازداشت شده به آن دفتر وابسته بوده و
در این مورد دستور نیز داشته است ! بدین ترتیب مشکل
دوتا شد و فی الواقع همتا !
ایست که نامه ای از سوی معاون فنی وزارت خارجه
خطاب به رئیس جمهور و فرمانده کل قوا نوشته شد و
برشمارتی در این رابطه مطرح گردید . از جمله این برشمارتها
ایست که شخص بازداشت شده چرا خود در ابتدای امر
از ایستگی به دفتر ریاست جمهوری خبری نرزه ، چکشی
به او حکم داده چرا و به چه چیزی ؟ انگیزه و هدف
نهانی چه بوده چرا بدون اطلاع و مشورت با مسئولین
و بالاخره مگر می توان اسناد محرمانه را آتم در این شرایط
که دیگر شرایط روزهای پس از ۲۲ بهمن نیست چنین ساده
و راحت برداشت و برده و از این قیل و مشماره ،
در این میان ناگهان روزنامه ای مدافعشخصی بازداشت
شده یک مساحبه اختصاصی و لید انتقادی از انجام داد
و بزرگترین تیر خود را بدین پیشهاد اختصاص داد که
"مسالمترین راه بدون بحران ایستد که همه موافقت بکنند
برمد مرآجه کنیم و با رای عمومی آنچه باید بشود ،
شود ، این دیگر بدیهی است که ما نمیخواهیم مرآجه
به آراء عمومی را نمی کنیم و این عمل را خلاف شریع
دانیم ! برعکس ، از مدتها پیش آنچه ما بعنوان یک
روزنامه نگار در ذهن خود میروانیم و هرچه حرف ما
را اعتباری رسمی درکار نیست درهرنگو و هرماورای
بنوان یکخطر و راهمل نهانی پیشهاد میکنیم و دوستان
هنگار براین امر گویند ، همین پیشهاد مرآجه دوباره
به یک فرآندوم و نظرخواهی مجدد از توده های ملت
بخصوص طبقه محروم انقلابیون ، البته چنین سخن قابل
بحث و بررسی است ، اما این را تذکره کنیم که حداقل ما
بمنی توپسنگان سطور این روزنامه را از چنین امری
آبایی نیست ، زیرا تمهیزی چندان قابل ملاحظه داریم که
ارتباطات صحنی ، و نامتعمدال ازسندمدان همادیه حست
میواند کمترین گزافی و دغدغه ای بیار آورد ، بنابراین
بحث برسر این نیست که مرآجه به آراء عمومی میاید
داشت ، چرا باید داشت ، ولی ...

ولی ، آنچه اینجا منظور رطلر ماست چیز دیگری است ،
امروز شمارهای زیادیترین بیده انقلاب است ، تنها است ،
نیای یا فرشی یک شمار دینستن و افکارندن چنانکه
بقدر صفحه ۲

راه پیمایی با شکوه عراقی هادر تهران برگزار شد



درتظاهرات و راهپیمایی آشخواران و برادران مسلمان رانده شده از عراق که دیروز از میدان فردوسی تا محل برگزاری نماز
داشتن کعبه و پاکت هالی از امام امت وشهدید محمدباقر و مجاهدین شهید عراق شرکت داشتند در صحنه ای از
این راه پیمایی و تظاهرات را نشان میدهد. در صفحه ۲۸

سنای امریکا
برای ساخت
سلاحهای
شیمیایی
۲۰ میلیون
دلار
اختصاص داد
انتکاء به نفت
فاجعه
آمیز است

بنچین بخش از تحلیل و بجه
سال ۶۰ بلم محمد تقی باکتی
دیپلکسیون ویژه بررسی
بوجه حیات دولت صفحه ۷

در شماره امروز دنیای ورزش مطالب زیر از نظر تان خواهد گذشت

- * ورزش تابستانی حدود ۹ میلیون دانش آموز جوان ، باید در اوقات برنامه ها قرار گیرد
- * دانش آموزی ۶۰ حدود ۹ ماه کار ملزی و فکری کرده و باید در تابستان استراحت فکری و ورزش کند ، نباید مالف و آواره و مستاصل شود ...
- * ۸ وزنه دار جوان ایرانی به ایتالیا میروند
- * تیم منتخب تهران ، تحت پیگرد قانونی قرار میگیرد
- * تیم ملی ناتوان است !
- * تا ورزش بصورت یک اصا در مملکت دریا بد ، مامبره های بی مصرف هستیم !
- * ایبه ریغ فرمان جام بولا شد
- * گوردر دیسک جهان شکست

دنیای
ورزش
منتشر شد

بحث آزاد جهان بیسی مادی و جهان بیسی الهی

دیالکتیک و اصول آن

طوری: دیالکتیک یک نوع منطق و اصول تفکر است در مقابل اصولی که از زمان ارسطو مطرح بوده است.

مصباح یزدی: آیا دیالکتیک یک قانون است؟

طوری: اصول دیالکتیک کدامیک از این منطق هاست؟ منطق نظری یا منطق عملی؟

نگهبان: مادی و تألیف و لغزانی با تلاشها و حرکتها آن چیز است که مستلزم روی حرکت مادی و حرکت دیگر تألیف می‌کند.

در فلسفه بخش از بحث آزاد جهانی مادی و جهانی الهی تا آنجا که صلح روزنامه‌نویس داده بود، فقط چهار شرکت‌کننده در بحث، چگونگی ورود به بحث و ادامه آن را بیان کردند و سرانجام با این نتیجه رسیدند که در زمینه دیالکتیک نتوانستند به ادامه دهند.

آنگه درمی خواهید خواند، سخنان احسان طبری است و پس از آن، بحث ادامه می‌یابد.

طبری - ما بحث ایدئولوژیک را در اینجا برمی‌تابیم. صورت فوری آن را در چهارچوب تلویزیون کار می‌کنیم. مابقی مادی و الهی به این وجود است. در فلسفه، بحث ما در فلسفه است که باید این اجزای بحث به هم وارد شود. به معنای دیگر، این بحث به معنای فلسفه است. فلسفه یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

تاریخ فلسفه، این کار را مشکل می‌کند. حال با وجود این ما این محدودیت را شما باید همیشه ما وقت را تحمل می‌کنیم. این بحث را می‌بینیم، این هم از نظر استقبال نظری که شما اینجا مطرح می‌کنید.

طبری - من یک توضیح اجازه هست بدهم. من اینطور فکر می‌کنم که اینک ما کسی ذکر نمودن پایستیم از طوری که من مسئله را برداشت می‌کنم مده این است که هر فوای لذا با ذکر فوای گفته می‌شود. طبعاً اگر ما با تصویب ذکر می‌کنیم یعنی پذیرفته‌ایم و ذکر می‌کنیم، دلیل آنرا هم می‌گوئیم، بلکه تصویب یعنی نکرده‌ایم بنابراین به این دلیل که فلان قول ما این فلان فوای که مقبول ما نیافته‌اند بلکه دلیل داشته است آن هم دلیل باید آورده شود. اگر فوای ذکر می‌شود صرفنظر از صحت استناد استنباط به شخص، اگر بپذیرد ما نیست، مطرح است - دلیل آن است که گویند کتبه می‌شود. حال صحت براین است که ما راجع به شخصیتها تصمیم نمی‌گیریم، بحثها را می‌کنیم که ما راجع به نظر ما نیست که حال صحت استناد قول و فوای را به خود ما بخواهیم. اینجا بررسی کنیم، مده این است که گویند سخن را من می‌نماید اشکالی ندارد ولی تأکید روی سخن است و دلیلی که پشتوانه خود سخن است فکر می‌کنیم ضرورت، یک محدودیت منطقی است که داریم دیگر فراتر از او نیست.

طبری: خوب با این توضیحی که دکتر سروش گفتند موافق هستم یعنی فروغی، ما در اینجا خودمان را بیان می‌کنیم. فائل نظر خوش را بیان می‌کنیم. ولی او می‌نماید استناد بکند به بیان نمایندگان مختلف که چریانان مگر می‌شود قبول او هستند. همراه با دلش می‌ایستند. اصل بیان نظر است، بیان آن چیزی است که در فلسفه هستیم. نه فقط یک مثل و قول برستی که چریانان مسائل تاریخی حالا اینها همه در بحث و تحقیق مطرح است، است. بنابراین استناد به دیالکتیک به نظر است. استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی، استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی، استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی.

طبری - من می‌فهمم که شما می‌خواهید بگویید که ما در اینجا خودمان را بیان می‌کنیم. فائل نظر خوش را بیان می‌کنیم. ولی او می‌نماید استناد بکند به بیان نمایندگان مختلف که چریانان مگر می‌شود قبول او هستند. همراه با دلش می‌ایستند. اصل بیان نظر است، بیان آن چیزی است که در فلسفه هستیم. نه فقط یک مثل و قول برستی که چریانان مسائل تاریخی حالا اینها همه در بحث و تحقیق مطرح است، است. بنابراین استناد به دیالکتیک به نظر است. استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی، استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

ولی با همینگر هستند. به همینگر وجود ندارد و درین حال می‌توانند وجود داشته باشند. این حالت انتطاب است آنچه که باعث حرکت مادی جهان هست، مابرات استاز آن نهاد اول هست، با مطالعه تبادلگی، جانشین شدن کینت تیره جای کینت کینه.

این مسئله نهاد و مسئله تقابل یک مسئله کینت است در فلسفه مادم صحت شده است. در زمان نعت عنوان تصادف از آن صحبت می‌کنیم. این مباحث را آقای دکتر سروش هم در طی کتبه خودشان مطرح کردند.

آنچه را که مولوی در مورد این مسائل بیان می‌کند، بحثی است که از زمان قدیم در فلسفه یونان آغاز شده است. بحثی است که از هر اقلیت یکی از فلسفه یونان که نیکه کرده به حرکت و تحول آغاز شده است.

طبری - بنده هیچوقت ندیده‌ام که بگویم که مولانا - جلال‌الدین و ملاصدرا آنها ماتریالیست و مارکسیست بودند. بلکه من فقط تاریخچه حرکت خودشان را در نظر نظر تفری کتبه که به شکل مسئله در فلسفه منسک شده و این شکلها ما هم منطبق نیستند. کتبه ادعای مارکس انگلس نیست. مسئله‌ای بوده که در فلسفه مطرح بوده و آنها هم نظر خودشان را در اینباره بیان کردند. از جمله در فلسفه خود ما مطرح بوده است. ما چرا به این مسئله ذی علاقه هستیم که ذکر کنیم از این نامها - برای اینکه مسئله از فرهنگ خودمان بگیریم اندیشه‌ای که در فرهنگ ما وجود دارد. آن را به تنبیه که خودمان تصور می‌کنیم منطقی است. اخلاص می‌کنیم و بیان می‌کنیم. بیون خودمان را با تمدن و تاریخ تفکر جامعه خودمان بیان می‌کنیم. این کار ما نیست لذا ذکر مسائل و خودشان از این نظر نظر انجام می‌گیرند. نه با این دعوی خود آورده گویند که ما - صدرا مثل مارکس فکر می‌کند، فقط در یک مارکس که در یک دوره‌ای دیگر زندگی می‌کرده است و به یک سال می‌گذری می‌فهمد پاسخ بدهد. فقط در یک حد نواق‌العالمه محدودی مسئله را عرض کردیم که می‌نماید در اینجا مطرح باشد من پیش از این برای طرح مسئله وقت نمی‌گیریم. وقت را به دوستان بدهیم.

طبری - من می‌فهمم که شما می‌خواهید بگویید که ما در اینجا خودمان را بیان می‌کنیم. فائل نظر خوش را بیان می‌کنیم. ولی او می‌نماید استناد بکند به بیان نمایندگان مختلف که چریانان مگر می‌شود قبول او هستند. همراه با دلش می‌ایستند. اصل بیان نظر است، بیان آن چیزی است که در فلسفه هستیم. نه فقط یک مثل و قول برستی که چریانان مسائل تاریخی حالا اینها همه در بحث و تحقیق مطرح است، است. بنابراین استناد به دیالکتیک به نظر است. استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی، استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

صحبی پیدا نمی‌کنند. محتوای هیچ فکری هم بدون اینکه در قالب دیالکتیک ریخته شود این مبنای صحتی نخواهد بود. آیا اینجور است؟ و آیا همین است که از تابع علوم بدست آمده و به این راه‌های است برای علوم. اینجا خواص می‌کند که توضیح بفرمایید.

طبری - من می‌فهمم که شما می‌خواهید بگویید که ما در اینجا خودمان را بیان می‌کنیم. فائل نظر خوش را بیان می‌کنیم. ولی او می‌نماید استناد بکند به بیان نمایندگان مختلف که چریانان مگر می‌شود قبول او هستند. همراه با دلش می‌ایستند. اصل بیان نظر است، بیان آن چیزی است که در فلسفه هستیم. نه فقط یک مثل و قول برستی که چریانان مسائل تاریخی حالا اینها همه در بحث و تحقیق مطرح است، است. بنابراین استناد به دیالکتیک به نظر است. استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی، استناد به فلسفه مادی و فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

شرکت کنندگان در بحث:

محمدتقی مصباح یزدی، از:

حوزه علمیه قم

دکتر عبدالعزیز سروش، از:

شرکت کننده مفروض

فرخ نگهبان، از:

سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

نگهبان - من فکر می‌کنم آقایان مصباح و آقای سروش راجع به همان مسئله دیالکتیک و تصادف شایق بودند که نظریاتشان را بشنومد و این مثل اینکه ظاهر به طرح سئوالاتی از رفیقان طبری محدود شد انشاء الله در دوره بعدی بحث ما مستقیماً می‌شود این نظرات آقایان کمباید، اصل نظرها در مورد این مسائل چی هست؟

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.

طبری - این محذوبیتی که شما به آن اشاره می‌نمایید، فلسفه مادی است. چرا که این فلسفه مادی، فلسفه مادی است. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی. فلسفه مادی یعنی فلسفه مادی و فلسفه الهی یعنی فلسفه الهی.